

The Idea of the Just Ruler and Art Patron in Persianate Calligraphy

The Colophons Made by Ja'far Baysonqori and Muhammad Hussein Katib al-Sultan Shirazi

Hamid Reza Ghelichkhani

Independent scholar and Calligraphy master, Tehran

ORCID: 0000-0002-4669-455X

Abstract

Ja'far Tabrizi (1383–1455) is one of the most famous Timurid calligraphers and was the chief of prince Baysonqor's (1397–1433) library. Under his supervision, some of the most prestigious Herati manuscripts were created. Muhammad Hussein Shirazi (1825–1900) is one of the Qajar calligraphy masters, honored with the title Katib al-Sultan (the King's calligrapher). He copied some of the most prestigious Persian masterpieces during his lifetime. In the colophons of their numerous manuscripts, both calligraphers praised their respective princes and kings, providing a resource from which one may learn about the ideas of the just ruler as the governor and as the patron of the arts in the Timurid and Qajar periods. In reviewing these colophons, this article aims to identify the idea of kingship, especially in the patronage of the arts of the book and calligraphy, narrated and praised in two different historical and social contexts in the Timurid and Qajar periods; widely considered the golden ages of Persian calligraphy. This study shows how the tradition of patronage did endure for some five centuries.

This article was received on 11 July 2022 and published on 9 October 2023 as part of *Manazir Journal* vol. 5 (2023): "The Idea of the Just Ruler in Persianate in Art and Material Culture" edited by Negar Habibi.

How to cite

Ghelichkhani, Hamid Reza. 2023. "The Idea of the Just Ruler and Art Patron in Persianate Calligraphy: The Colophons Made by Ja'far Baysonqori and Muhammad Hussein Katib al-Sultan Shirazi." *Manazir Journal* 5: 206–26. <https://doi.org/10.36950/manazir.2023.5.10>.

جایگاه و توصیف پادشاه و حامی هنر در انجامه‌های جعفر بایسنغری و محمدحسین شیرازی کاتب‌السلطان

چکیده

جعفر تبریزی (حدود ۷۸۵-۸۵۹ ق.) از مشهورترین خوشنویسان دوره تیموری است که افزون بر کتابت آثار، به مقام کتابداری بایسنغر میرزا نائل شد و سرپرستی تهیه بسیاری از نفایس مکتب هرات زیر نظر او صورت پذیرفته است. محمدحسین شیرازی (زنده در ۱۳۱۸ ق.) از برجسته‌ترین خوشنویسان دوره قاجار است که به القاب کاتب‌السلطان، کاتب‌الصداره و مستوفی دیوان اعلی مفتخر شد و بسیاری از آثار معروف ادبیات فارسی را به بهترین شکل ممکن کتابت کرده است. این دو خوشنویس در انجامه‌نسخه‌هایی که کتابت کرده‌اند از پادشاه و شاهزادگان دوره خود به‌عنوان بزرگترین حاکمان ایران یاد کرده‌اند و از ایشان با توصیفات مفصل به ستایش پرداخته‌اند. هم‌چنین از جایگاه و اهمیت پادشاه در حمایت و گسترش هنر یاد کرده و خدمات او را برشمرده‌اند.

در این مقاله این دو خوشنویس که نزدیک‌ترین هنرمندان از نظر موقعیت هنری به پادشاه زمان خویش بودند، به‌عنوان نمایندگانی از هنر خوشنویسی دو دوره طلایی هنر ایران، یعنی عصر تیموری و قاجار در هرات و تهران انتخاب و معرفی شده‌اند تا اثبات شود که سنت حمایت حاکمان از تولید آثار هنری از سده نهم تا چهاردهم هجری به مدت پنج سده استمرار داشته است. پس از آن با نقل انجامه‌های آثار این دو خوشنویس، به معرفی و چگونگی توصیفاتشان از پادشاه، ارتباطشان با مرکز قدرت و حامی هنری پرداخته شده است. در پایان تصویری که از پادشاه ارائه کرده‌اند و نقش پادشاه در حمایت از هنر کتابت و کتاب‌آرایی در دو دوره تاریخی یادشده با هم مقایسه شده است.

واژگان کلیدی

کتابت، خوشنویسی، جعفر تبریزی بایسنغری، محمدحسین کاتب‌السلطان شیرازی، توصیف پادشاه، حامیان هنر.

جعفر بایسنغری

جعفر تبریزی، فرزند علی در حدود سال ۷۸۵ هجری در تبریز چشم به جهان گشود. گویا در دوره حکومت جلال‌الدین میرانشاه (فرزند تیمور) در آذربایجان (۸۰۷-۸۱۰ ق.) به دربار راه مییافته است. جعفر تا سال ۸۲۰ خود را «جعفرالحافظ التبریزی» میخواند و به حافظ قرآن بودن خویش افتخار می‌کند. وی در همان زمان سفری به یزد می‌کند (حدود ۸۲۰ ق.) و مدتی در این شهر رحل اقامت می‌افکند. (بیانی ۱۱۵)

با رونق یافتن هنرش تصمیم گرفت تا راهی هرات، پایتخت تیموریان، شود. وی در هرات مورد تشویق و حمایت بایسنغر بن شاهرخ (۸۰۲-۸۳۷ ق.) قرار گرفت و به‌همین مناسبت در بیشتر آثار ۸۲۵ ق. و پس از آن، خود را «جعفرالبایسنغری» معرفی می‌کند. (قلیچ‌خانی، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی ۱۱۲)

جعفر در زندگی هنری‌اش به مقامات ارجمندی همچون کتابداری کتابخانه بایسنغر میرسد. ریاست کتابخانه را می‌توان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین جایگاه هنری دانست؛ چرا که رییس کتابخانه شاهی می‌توانست در چگونگی انجام و کیفیت آثار هنری تولید شده، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. انتخاب و نظارت بر کار موصوران، مذهبیان، وصالان، قطاعان، مجلدان و... آن هم در هرات هنر، مقام شایسته‌ای برای وی بوده است و با مشاهده آثار فراهم آمده این کتابخانه که اکنون برجای است و مراجعه به تذکره‌ها و منابع در مییابیم که وی از انجام مسئولیتی چنین خطیر سرافراز بیرون آمده است. (بیانی ۱۱۷)

نسخه‌ای از «عرضه داشت» به خط جعفر در مرقد فاتح (سلطان یعقوب) موزه توب‌قاپ‌سرای وجود دارد که گزارش مراحل کار جمعی از هنرمندان کتابخانه شاهی است.

جعفر پس از درگذشت بایسنغر تحت حمایت میرزا علاءالدوله، فرزند وی، می‌آید. اگر قطعه‌ای با رقم: «جعفر ۸۵۹» که در مرقع مالک دیلمی است را اصیل و از او بینداریم، وی تا سال ۸۵۹ زنده بوده و بیش از هفتاد سال زیسته است. (بیانی ۱۳۲)

درگذشت بایسنغر (۸۳۷ ق.) برای تمام هنرمندان هرات و بویژه هنرمندان کتابخانه شاه‌ی، فاجعه‌ای بزرگ بود. در این میان هنرمندی چون جعفر که به اوج توانایی در اداره کتابخانه و تولید نسخه‌های خطی رسیده بود و از نزدیکان بایسنغر بشمار میرفت، بسیار اندوهگین و افسرده گشت. در همان زمان، گروهی از شاعران، تصمیم گرفتند تا سفینه‌ای حاوی مرثیه‌هایشان را در قالب تسلیت‌نامه‌ای به حضور شاهرخ (پدر بایسنغر) ارائه کنند.

در نسخه خطی این سفینه^۱ که به خط نستعلیق ظهیرالدین اظهر است، سروده‌هایی از یازده سخنور کتابت شده که از درگذشت ناگهانی میرزا بایسنغر و از کج رفتاری‌های روزگار سخن گفته‌اند.

نام ایشان از این قرار است: کمال‌الدین جعفر الشهیر به خطاط / مولانا زاهدی / مولانا جلال کرمانی / امیرجلال‌الدین یوسف المشتهر به امیری / مولانا لطفی / مولانا ولی / مولانا آصفی / مولانا واحدی / منشی / مولانا زین‌الدین / محمد جرده.



تصویر ۱: جُنگ مرثیه‌ها برای بایسنغر، به خط نستعلیق اظهر در هرات (نیمه نخست سده نهم هجری)، محفوظ در کتابخانه ملی تبریز (ش ۳۹۶۷). عکاسی از مؤلف.

۱. - این نسخه متعلق به کتابخانه حاج محمد نخجوانی بوده و اکنون با شماره ۲۹۶۷ در کتابخانه ملی تبریز است.

برخی از تذکرها، طبع موزون جعفر را ستوده و اشعاری را از او نقل کرده‌اند و یادآور شده‌اند که تخلصش «جعفر» بوده است.

مرثیه جعفر در سفینه یادشده در سوگ بایسنغر از این قرار است و از نظر اصطلاحات خوشنویسی و کتاب‌آرایی بسیار جالب و قابل مطالعه است:^۲

| | |
|--|---|
| عرصه آفاق را ای چرخ ویران کرده‌ای ^۳ | کعبه اقبال را با خاک یکسان کرده‌ای |
| ماه اوج سلطنت را در حضيض افکنده‌ای | مهر را از آتش این غم فروزان کرده‌ای |
| ساختی مصر خراسان را سیه چون ملک هند | خلق را نیلی بسر بر تن سیه زان کرده‌ای |
| نقد جان شاه عالم در شب ای دزد اجل | برده ای از ترس جان در خاک پنهان کرده‌ای |
| گرد زلف مشکبارش گرد غم افشاندن‌های | من چه گویم آنچه با جمعی پریشان کرده‌ای |
| گر سیه چشمان بگیرند از غمش نبود عجب | زانکه بادام سیه در خاک ریزان کرده‌ای |
| آن محمد خُلق را تا بردی از صدر جلال | چون اویسم در قرن مهجور و حیران کرده‌ای |
| بایسنغر خسرو ایران و توران درگذشت | سیل اشک ما ز سر بگذشت بشنو سرگذشت |

*

| | |
|---|---|
| شهریارا تا برفتی از سر اهل هنر | شد کتاب صبر ما آبتر، ورق زیر و زیر |
| یافتی از لطف شه هر کهنه خطی عمر نو | بشکند پشتش کنون چون رفت پشتیوان ز سر |
| از مرقع ناله‌ها آید بگوش جان مرا | صورت بیجان مگر گشتند از این غم باخبر |
| خواندن اشعار بی‌معنی شد و صورت حرام | پادشاه صورت و معنی ز عالم شد مگر |
| قطعه یاقوت دادی قطعه یاقوت را | صیرفی کو تا شناسد لعل و یاقوت از حَجَر؟ |
| گشت خط منسوخ و صورتگر بجان درمانده | است چون عطا نبود دگر جدول کش از خون جگر |
| داشتی صد برگ جلد نسخه‌ها از زر کنون | ای مُذهَّب مشکلت از زر نگردد حل دگر |
| می‌نویسم جُنگ و دردم می‌شود تر ز آب چشم | کرده‌ام بعد از تو شاها خط خود را خوبتر |
| بر خط جعفر همی‌پاشند زر زان وجه شد | نام زر جعفری در جمله عالم مُشتهر |
| هر کرا از در بدر نگذاشتی از عَزّ و ناز | ز آستانت مانده دور اکنون فتاده در بدر |
| شد هرات از سیل اشک مردمان رشک فرات | ماه چون در برج آبی کرد ازین منزل سفر |
| نسخه‌ها رفتند در جلد سیاه از سوگ و درد | بسته بر سر جدول زر هم کبود از لاجورد |

*

۲ - اصطلاحاتی همچون: مرقع، قطعه یاقوت، صیرفی، جدول، مذهَّب، نسخه، جُنگ، سرخ، نک: زرافشان . این ابیات از اصل نسخه کتابخانه ملی تبریز خوانده شده است.

۳ - در اصل نسخه بنابر رسم‌الخط آن دوره، ردیف این شعر یعنی «کرده‌ی» به شکل «کرده» نوشته شده اما در دیگر موارد، از جمله واژگان مرکب، رسم‌الخط اصل نسخه حفظ شده است.

قرص ماه زانکه ما خوانی نمی‌خواهیم بعد از پادشاه
این زمان افکنده بر خاک و بر سر خاک راه
باز گو تا چون نویسم این زمان طاب ثراه
از زبان کلک‌ها نامد برون جز آه و آه
حال من چون خط پریشان گشته خط اینک گواه
چون نخوانندش دگر هرگز به نزد پادشاه
میکنم صد صفحه را اکنون ز دود دل سیاه
سروها را خواهم آبی دادن از خون جگر

نیست اکنون درخور ما خوان مهر و
شهریارا هر کرا از خاک ره برداشتی
من که اللهم خَلِّد در قلم آوردمی
تا مُحَقِّق گشت بر کُتَّاب عالم این خبر
تا بتوقیع اجل شد نامه عمرش سجل
نسخ و تعلیق از غبار غم نسازد چهره پاک
می‌نوشتم صفحه‌ای از جُنگ برگشت آن‌ورق
باغ شد بی‌آب گویی رفت آب از جو مگر

*

جمله در آب سیه غرقند خاص اهل قلم
سرخ گردد باب و فصلش ز اشک چشم دمیدم
در قلم آرم الف دالی شود خم چون قدم
ور ز درج سلطنت کم شد دری زین هم چه غم
باد بر خلق جهان تابنده از لطف و کرم
شادمانی بخش چون هستند با إخوان بهم
بیش دادی حرمت شاهها گر از اقران کم
باد چون جعفر هزارش بنده تا یوم الحساب

گر سیه پوشند خلق از ماتم سلطان رواست
چون نویسم فصل از باب غم او در کتاب
گشته خم قد من از درد شهنشه هرگهی
گر گلی کم شد ز گلزار جهان آخر چه شد
آفتاب دولت سلطان اعظم شاهرخ
شه علاءالدوله را در سایه این پادشاه
از برای حرمت روح شهنشاه جهان
تا که القاب شهنشه را نویسد در کتاب

آثار برجای مانده:

در این‌جا نسخه‌هایی از جعفر که تاکنون شناسایی شده و دارای انجامه هستند، به‌ترتیب تاریخی معرفی می‌شود. پس از آن به معرفی قطعات و رقع‌هایی که در مرقعات موجود است، می‌پردازیم. یادآوری می‌کنم که تمام این انجامه‌ها از روی اصل نسخه‌ها یا تصاویرشان، توسط نویسنده مقاله خوانده شده است.

۱- کلیات همام تبریزی، کتابت نستعلیق. در کتابخانه ملی پاریس (ش ۱۵۳۱ sup)

انجامه: «تمت الدیوان بعون الله و حسن توفیقه علی ید العبد الفقیر المحتاج الی رحمہ الله تعالی جعفر بن علی التبریزی انجح الله آماله فی ثالث صفر ختم بالخیر و الظفر لسنه ست عشر و ثمانمائه [۸۱۶]» و نیز: «کتبه الفقیر الحقیق المحتاج الی رحمہ الله تعالی و غفرانه جعفر التبریزی الحافظ انجح الله آماله فی رابع عشرین جمادی الثانی سنه ست عشر و ثمانمائه [۸۱۶] هجریه نبویه»

۲- خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای، کتابت نستعلیق، در کتابخانه انستیتوی زبان‌های شرقی، سن پترزبورگ. (بیانی ۱۲۰)
انجامه: «تمام شد کتاب خسرو و شیرین از گفتار ملیح الکلام نظامی گنجه رحمة الله علیه فی شهور سنه اربع و عشرین و ثمانمائه [۸۱۴] کتبه المفتقر الی رحمہ الله الغنی الاکبر، ابن علی، جعفر البایسنغری تجاوز الله عن سیاته بمحمد و آله»



تصویر ۲: انجامه دیوان حسن دهلوی، به خط نستعلیق جعفر بایسنغری در هرات (۸۲۵ هجری)، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۴۰۱۷). عکاسی از مؤلف.

- ۳- دیوان حسن دهلوی، کتابت نستعلیق عالی. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران (ش ۴۰۱۷)
- انجامه: «کتابه العبد المحتاج الى الله الغنى جعفر البایسنغری احسن الله احواله فى الدراين فى خامس عشرین و ثمانمائه الهجرية [۸۲۵ ق] بدارالسلطنه هرات حمیت عن الآفات و البلیات، تم.»
- ۴- اندرزهایی از اسکندر، کتابت نستعلیق عالی، در کتابخانه چستریتی، دویلین. (Ar ۴۱۸۳)
- با انجامه: «کتابه جعفر البایسنغری احسن الله احواله فى سنة تسع و عشرين و ثمانمائه [۸۲۹].»
- ۵- گلستان سعدی، کتابت نستعلیق، در کتابخانه چستریتی، دویلین. (Per ۱۱۹)
- نسخه دارای ۸ مجلس نگارگری است و همچون شاهنامه بایسنغری، متعلق به کتابخانه بایسنغر بوده است. انجامه: «نمق هذه السطور و حرر ذلك الذبور توسلاً الى الحضرة العلیه و توصلاً الى السده السنیه اعنى السلطان الاعظم سلطان سلاطین عالم، مالک رقاب الامم مولى ملوک العرب و العجم، غوث امهدی و غیاث الدین من خضعت له ملوک الوری طوعاً و اذعاناً السلطان بایسنغر بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و اوضح على العالمین بره و احسانه، اقل عبادالله الباری جعفرالبایسنغری فى سنة ثلثین و ثمانمائه [۸۳۰] الهجرية، بدارالسلطنه هرات حماها الله تعالی عن الآفات.» (بیانی ۱۲۰)
- ۶- شاهنامه فردوسی در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۷۱۶)،
- که به شاهنامه بایسنغری مشهور شده و دارای ۲۲ مجلس نگارگری است. کتابت نستعلیق، عناوین کوفی تزیینی، ثلث و رقاع بر کاغذ ختایی نخودی رنگ. این نسخه ارزشمند در سال‌های ۸۲۹ تا ۸۳۳ تهیه شده است.
- انجامه: «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب الشریف الشریف و تسطیر ذلك الرق المنيف باشاره الخان بن الخان سلطان سلاطین العهد و الزمان، حارس ممالک الربع المسکون، مالک رقاب ذوی‌الحركة و السکون، الذى لم یلمح بمثله الافلاک مادام السمک و السمک، خلاصه ادوار العناصر و الملوان، مظهر لطایف، ان الله یامر بالعدل و الاحسان غیاث السلطنه و الدنیا و الدین بایسنغر بهادر سلطان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه على يد العبد الضعیف المفتقر الى رحمه الله الباری جعفرالبایسنغری اصلح الله احواله فى الخامس من جمادى الاولى سنة ثلاث و ثلثین و ثمانمائه [۸۳۳] هلاطیه و الحمد لله اولاً و آخراً»
- ۷- دیوان حافظ، کتابت نستعلیق، در موزه آثار ترک و اسلام استانبول.
- با انجامه: «تم الديوان بعون الملك المئان على يد العبد الفقير المحتاج الى رحمه الله و غفرانه جعفرالبایسنغری احسن الله احواله فى الدراين ببلده هراه حماها الله تعالی عن البلیات»
- ۸- گلشن راز از شیخ محمود شبستری، کتابت نستعلیق. در کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد (ش ۱۰۵۷۹).
- انجامه: «کتابه العبد الاحقر الافقر جعفرالبایسنغری اصلح الله تعالی شأنه»
- از جعفر قطعات و رقعهای بسیاری به خط نستعلیق و خطوط ششگانه باقی مانده است که در اینجا به اختصار معرفی می‌شود. (بیانی ۱۲۱)
- چهار صفحه از مرقعی بزرگ در کتابخانه دانشگاه توپینگن، آلمان، که در آن هر هفت قلم (نسخ، ثلث، رقاع، توقیع، محقق، ریحان و شکسته تعلیق) را در کنار نستعلیق با نهایت استادی کتابت کرده است. رقم و تاریخ یکی از قطعه‌ها: «خدم بکتابتها الفقیر احقر عبادالله تعالی و اوجهم الى عفوه و غفرانه جعفرالحافظ التبریزی احسن الله عواقبه فى يوم الاثین رابع عشر ربیع الثانی لسنة عشرين و ثمانمائه [۸۲۰] هجرية نبویه بدار العباد یزد، صانها الله عن الحدثان صاحبه و مالکه حسن بن اسدالله الحسینی اصلح الله شأنه»
- قطعه‌ای در مرقع گلشن در کتابخانه کاخ گلستان کتابت نستعلیق، با رقم: «کتابه العبد المذنب جعفرالكاتب تجاوالله عنه على طریق واضع الاصل على ابن حسن السلطانی رحمه الله بدارالسلطنه هراه حمیت عن الآفات.»
- قطعه‌ای به خط رقاع عالی با رقم و تاریخ: «خدم بکتابه المفتخر بعبودیه... جعفرالكاتب التبریزی احسن الله آماله فى اوائل ربیع الاخر سنة اثنی و عشرين و ثمانمائه [۸۲۲ ق]» در مجموعه ابوالعلاء سودآور.

- قطعه‌ای به قلم نستعلیق که صفحه آخر *جنگ اشعار* بوده و دارای دو رقم و تاریخ است: «کتب هذه السفینه الفقیر الراجی الی رحمہ اللہ تعالی و غفرانہ جعفرالبایسنغری احسن اللہ احوالہ فی الدارین فی سنہ سبع و عشرين و ثمانمائه [۸۲۷ ق] بدارالسلطنہ ہرات حماہا اللہ تعالی عن الافات» و «کتب هذه المجموعه و انا الفقیر الراجی الی رحمہ اللہ تعالی و غفرانہ جعفرالبایسنغری احسن اللہ احوالہ و انجح بالخیر و السعاده آمالہ فی سنہ سبع و عشرين و ثمانمائه [۸۲۷ ق] بدارالسلطنہ ہرات حماہا اللہ تعالی عن الافات و البلیات» در موزہ ملّی ایران.
- عرضه داشت به خط نستعلیق در مرّقع سلطان یعقوب (فاتح) در موزہ توپ‌قاپی سرای استانبول (ش 2153-98A H).
هم‌چنین قطعه‌هایی در مرّقات موجود در موزہ توپ‌قاپی استانبول به قلم‌های ثلث، نسخ، رقاع، ریحان، توقیع، شکستہ تعلیق و نستعلیق، که تاریخ کتابت بسیاری از آنها میان ۸۲۰ تا ۸۳۳ ق است. با این رقم:
- کتبہ العبد الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمہ اللہ تعالی و غفرانہ جعفرالتبریزی فی سنہ ثلث و ثلثین و ثمانمائه [۸۳۳] من الہجرہ النبویہ.
- مشقہ جعفر فی سنہ تسع و خمسين و ثمانمائه [۸۵۹ ق]
- کتبہ جعفرالبایسنغری
- کتبہ جعفرالتبریزی... فی سنہ ثلاث و ثلثین و ثمانمائه [۸۳۳ ق]
- خدم بکتابتہا ... جعفرالبایسنغری
- مشقہ العبد ... جعفرالبایسنغری
- کتبہ اضعف عباد اللہ تعالی و احوجہم الی عفو اللہ و غفرانہ جعفرالبایسنغری حامداً لله تعالی علی نعمہ و مصلیاً علی نبیہ محمد و آلہ الطاہرین.
- فی مدح السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم معز الحق و السلطنہ و الدنیا و الدین غیاث الاسلام و المسلمین بایسنغر بہادرخان خلد اللہ ملکہ و سلطانہ خدم بکتابتہا الفقیر الی اللہ الغنی جعفرالبایسنغری عفا اللہ عنہ.
- کتبہ اضعف عباد اللہ تعالی جعفرالتبریزی احسن اللہ احوالہ فی الدارین فی سنہ ثلاث و ثلثین و ثمانمائه [۸۳۳].
- اللهم متّع و خلد دولہ السلطان ابن السلطان ابن السلطان جلال السلطنہ و الدنیا و الدین علاء الاسلام و المسلمین خلد اللہ تعالی شأنہ اللهم اید دولہ السلطان الاعظم علاء الدولہ خلد ملکہ، کتبہ جعفرالبایسنغری.
- برسم خزانہ الکتب ... بایسنغر بہادرخان... خدم بکتابتہا العبد الغریب الغریق فی بحار الفراق و الحریق بنار الاشتیاق جعفرالتبریزی ختم اللہ، آمالہ بالخیر و الحسنی فی سنہ ثلاث و ثلثین و ثمانمائه [۸۳۳] الہجریہ النبویہ.
- کتبہ اضعف عباد اللہ تعالی و احوجہم الی عفو اللہ و غفرانہ جعفرالبایسنغری احسن اللہ عواقبہ بالحسنی.
- کتبہ العبد المحتاج الی رحمہ اللہ و غفرانہ جعفر عفا اللہ عنہ.
- کتبہ العبد جعفر فی سنہ ثلثین و ثمانمائه [۸۳۰].
- کتبہ العبد المذنب المحتاج الی رحمہ اللہ و غفرانہ جعفرالتبریزی تجاوز اللہ عن سیاتہ بالنبی محمد و آلہ
- کتبہ جعفرالتبریزی البایسنغری
- کتبہ العبد جعفر عفا اللہ عنہ
- مشقہ العبد الفقیر الحقیر جعفر تجاوز اللہ عن سیاتہ بمحمد و آلہ.^۴

^۴ - در پایان غزلی از حافظ به قلم نستعلیق و آغاز: «لمولانا محمد الحافظ الشیرازی... روی تو کس ندیدہ ہزارت رقیب است...» به نقل از: بیانی ۱۰۵۵.

محمدحسین شیرازی

محمدحسین را آن‌گونه که باید نمی‌شناسیم؛ با این حال وی اطلاعات بسیاری را در انجامة آثارش آورده است که ما را در شناسایی زندگی هنری‌اش یاری میکند. وی در اواخر نیمه اول سده سیزدهم در شیراز چشم به جهان گشود. پدرش حاج محمدعلی تاجر شیرازی و مادرش دختر حاج میرزا محمد تاجر شیرازی بوده است. (بیانی ۶۸۹)^۵ بنا به نوشته خویس^۶ در ایام جوانی پس از این که خطش سر و سامانی یافته به تهران آمده است و توسط یکی از خاصان دربار به نزد ناصرالدین شاه شرفیاب شده و اوراقی از مثنوی مولوی را که در حال کتابت بوده به شاه عرضه داشته است. شاه نیز از هنر وی تمجید و او را به تکمیل مثنوی مأمور میکند. این اتفاق در سال ۱۲۷۹ رخ میدهد و بنابر انجامة دیوان حافظ^۷ که در ۱۲۷۹ کتابت کرده است، از همین سال ملقب به «کاتب‌السلطان» می‌گردد. بنابر رقمه‌ایش وی در سال ۱۲۷۴ ق. «کاتب‌الصداره»^۸ و در ۱۲۷۵ ق. ملقب به «کاتب‌السلطان»^۹ شده است و در حدود چهل سالگی به بالاترین افتخارات دوره خویس دست یافته است.

چنانچه وی نخستین اثر تاریخ‌داری^{۱۰} (سال ۱۲۶۰ ق.) را در حدود بیست سالگی نوشته باشد، در ۱۲۷۹ در حدود چهل سالگی و دوره پختگی خویس بوده و ناصرالدین شاه به وی دستور کتابت دیوان شاعران ترکستان (سبک خراسانی) را داده است. محمدحسین در انجامة دیوان منوچهری دامغانی^{۱۱} اظهار داشته که این وظیفه را به سال ۱۲۸۴ ق. در بهترین شکل ممکن به پایان برده است.

محمدحسین در شمار پُرکارترین کاتبان نستعلیق قرارداد و خوشبختانه بسیاری از آثارش^{۱۲} امروزه شناخته و معرفی شده است. با توجه به تاریخ آثار وی پیداست که وی بیش از پنجاه سال به کتابت اشتغال داشته است و پُرکارترین سال‌های آفرینش آثارش ۱۲۷۲ تا ۱۲۸۴ ق. است و در اواخر دوره ناصرالدین شاه که به میان سالی رسیده، قدری کم‌کارتر شده است و در نخستین سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه کاتب مقرر بوده است. بنابر تاریخ آخرین اثر محمدحسین در ۱۳۱۸ درمی‌یابیم که دست‌کم تا این سال در تهران می‌زیسته است و شوربختانه از تاریخ دقیق درگذشت و مزار وی اطلاعی در دست نیست. در نتیجه محمدحسین در میان سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۳۱۸ نزدیک به شصت سال به کتابت حرفه‌ی نستعلیق اشتغال داشته و حدود هشتاد سال زیسته است و این ایات که در انجامة یکی از آخرین آثارش نوشته، حسب حال کهنسالی خویس است:

تا بؤدم زنده در آفاق نام تا بؤدم شفقت شه دستگیر

مشق قلم همچو کمان کرد خم عاقبتم قامت مانند تیر

شهرت مُلک من و شمشیر شاه هر دو شد از لطف حق آفاق‌گیر^{۱۳}

محمدحسین انجامة‌های برخی از آثارش را کوتاه و کاملاً بر مبنای سنت‌ای کتابت بسان دیگر کاتبان نگاشته است؛ این دسته از آثارش شامل مرقعاتی چون مناجات‌امه خواجه عبدالله است. وی در بیشتر کتابت‌ای پُرکارش، بر خلاف سنت معمول کاتبان، به انجامة‌های مفصل دست زده است و در آنها اطلاعات و نکات سودمندی را بیان کرده است.

۵. - هم‌چنین در قطعه‌ای به سال ۱۲۷۸ ق. در کتابخانه ملی ملک.

۶. - در انجامة مثنوی مولانا، نسخه کتابخانه کاخ گلستان، ش ۶۸۱.

۷. - مجموعه دکتر اصغر مهدوی.

۸. - دستور‌الوزاره و سیر الملوک، کتابخانه ملی ایران، ش ۱۸۶۹۲.

۹. - مناجات خواجه عبدالله انصاری، کتابخانه دکتر اصغر مهدوی.

۱۰. - در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۵۷۹) و در کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد (ش ۱۸۹۵۹).

۱۱. - کتابخانه کاخ گلستان، تهران، ش ۴۲۹.

۱۲. - نک: محمدحسین شیرازی، ۱۳۹۴.

۱۳. - کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران (ش ۲۲۶۸).

محمدحسین شیرازی از معدود خوشنویسانی است که در انجامه نسخه‌ها، نکات و توضیحات بسیاری درباره خود ارائه کرده است و به یقین می‌دانسته که بهترین و ماندگارترین محل برای بیان افکار و احساساتش چنین صفحه‌ای از روزگار است. از نثرهایی که در انجامه نسخه‌های گوناگون که گاه چند صفحه را در برمی‌گیرد، به راحتی می‌توان دریافت که قلمی جذّاب و پخته دارد و افزون بر ادب فارسی، در ادب عرب نیز تبخّر و تسلط لازم برای یک هنرمند را دارد. از جمله نکاتی که از آثارش برمی‌آید این است که خود را مدیون دربار قاجار می‌داند و از این که شاه در «بضاعت مزاجه او بعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزیور قبول آن درگاه شده» (محمدحسین شیرازی ۳۲) بسیار خرسند است و به این که «در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید» (همان ۲۸) فخر و مباهات بسیار می‌کند. از آثاری که پیش از ۱۲۷۹ کتابت کرده مستفاد می‌شود که همچون بیشتر خوشنویسان، علاقه وافری به ورود در حلقه کاتبان سلطان داشته و امیدوار بوده است که دیوان پادشاه را کتابت کرده تا «شاید از برکت انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری» (همان ۲۰) و پس از نایل شدن به این افتخار، تا پایان عمر این رابطه را هر چه بیشتر و مستحکم‌تر حفظ کرده است و در اواخر عمر افزون بر «کاتب السلطان»، از لقب «مستوفی دیوان اعلی»^{۱۴} نیز در رقم‌های خویش بهره برده است.

آثار برجای مانده

محمدحسین شیرازی در شمار کاتبان پُرکاری قرارداد که توفیق الهی سبب ماندگاری بسیاری از آثارش گشته است. از آنجا که بیشتر آثار محمدحسین در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌داران معتبر جای دارد، خوشبختانه بسیار سالم و به دور از آفات باقی مانده‌اند. با توجه به تاریخ آثار وی پیداست که وی بیش از پنجاه سال به کتابت اشتغال داشته است و عیار آثارش فراز و فرود چندانی نداشته است.

در اینجا آثاری را که شناسایی کرده و دیده‌ام، به ترتیب تاریخی معرفی می‌کنم و بخش‌هایی از متن انجامه‌های مفصل او را نیز ارائه کرده‌ام. یادآوری می‌کنم که تمام این انجامه‌ها از روی اصل نسخه‌ها یا تصاویرشان، توسط نویسنده مقاله خوانده شده است.

۱- خلد برین از محمد یوسف واله قزوینی. کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۵۷۹). کتابت نستعلیق به دستور حاج میرزا آقاسی، انجامه: «حسب الامر قدر قدرگردون ... الحاج میرزا آقاسی ادام الله ... این کتاب مستطاب باختتام پیوسته علی ید الاقل العباد محمدحسین شیرازی فی عشر آخر صفر المظفر فی سنه ۱۲۶۰»

۲- مخزن الاسرار نظامی، کتابت نستعلیق. کتابخانه دانشگاه استانبول (ش ۴۶۶). انجامه: «بجهت پیشکش ... اعتمادالدوله العلیه العالیه و اعتضادالسلطنه ... میرزا آقاخان نوری صدر اعظم ... سمت تحریر یافت ... کتبه العبد محمدحسین الشیرازی غفرالله له ۱۲۷۱»

۳- دیوان ناصرالدین شاه قاجار، کتابت نستعلیق. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران (ش ۵۰۹۸).

انجامه: «هو العزیز از آنجا که مضمون این اشعار آبدار از مکنونات صدف خاطر حضرت شهریار تاجدار جهان‌مدار در قالب عباراتی ... بخاطر فاتر این قاصر محمدحسین شیرازی که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده تا از میان این فرق، گوی مسابقت روده چنین رسید که حیف باشد با این همه رنج، تحصیل گنج سعادت نمایی این معانی بکر که بیرویت و فکر از طبع همیون صادر آمده بهتر آنکه بحجله خط نیک نیز آرایش یابد شاید از برکت انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری از حُسن تربیتش محظّ مرحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید و الحمد لله علی اتمامه و الشکر علی انعامه حرّه فی شهر جمادی الاول ۱۲۷۲»

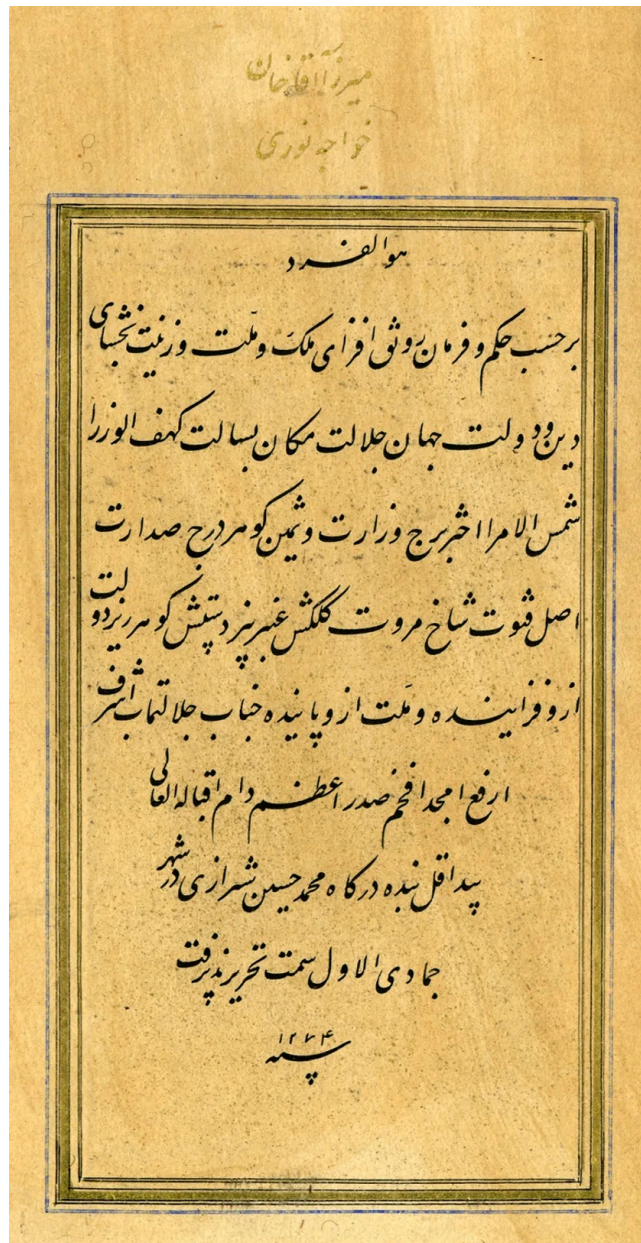
۴- المختصر فی معرفه التقاویم، کتابت نستعلیق. مدرسه منصوریه^{۱۵}، شیراز.

انجامه: «محمدحسین شیرازی ابن حاج محمد در ۶ ذیحجه ۱۲۷۲» در

۵- مناجات خواجه عبدالله انصاری، کتابت نستعلیق. موزه رضا عباسی، تهران. انجامه: «کتبه العبد المذنب محمدحسین الشیرازی غفر له ۱۲۷۳»

۱۴ - انجامه نسخه احوال سلطان محمود غزنوی، تألیف عباسقلی سپهر، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ش ۲۲۶۸

۱۵ - هنوز نسخه را ندیده‌ام. به نقل از فهرستواره دستنوشته‌ای ایران، ج ۹، ص ۲۲۸.



تصویر ۳: انجامه رساله، به خط نستعلیق محمدحسین شیرازی در تهران (۱۲۷۴ هجری)، محفوظ در کتابخانه ملی ملک (ش ۵۲۴). عکاسی از مؤلف.

۶- صناعات از میرفندرسکی^{۱۶}، کتابت نستعلیق، دانشکده هیات دانشگاه فردوسی (ش ۲/۴۵۲)، مشهد. : با انجامه: «محمدحسین شیرازی در ۲۵ ذیقعده ۱۲۷۴ ق.»

۷- مرقع، شامل اشعاری در مدح پادشاه. کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۱۴۸۹).

با انجامه: «الفقیر الحقیق المذنب بنده درگاه خلیق پناه محمدحسین شیرازی غفر له ۱۲۷۴»

۸- مناجات خواجه عبدالله انصاری، کتابت نستعلیق. کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۱۴۹۳). با انجامه: «العبد المذنب بنده درگاه خلیق پناه محمدحسین شیرازی ۱۲۷۴»

۹- اخلاق ناصری، به خط نستعلیق، دانشکده هیات دانشگاه فردوسی (ش ۱/۴۵۲)، مشهد.

با انجامه: «محمدحسین شیرازی در ۲۵ ذیقعده ۱۲۷۴ ق.»

۱۰- رساله، در کتابخانه ملی ملک، تهران (ش ۵۲۴) که در حاشیه صفحه انجامه، نام «میرزا آقاخان نوری»^{۱۷} نوشته شده است. با انجامه: «هو الفرد برحسب حکم و فرمان رونق‌افزای ملک و ملت ... جناب جلالت‌مآب اشرف ارفع امجد افخم صدراعظم دام اقباله العالی، بید اقل بنده درگاه محمدحسین شیرازی در شهر جمادی‌الاول سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۲۷۴»

۱۱- مناجات خواجه عبدالله انصاری، کتابت نستعلیق. در کتابخانه آقای دکتر اصغر مهدوی. با انجامه: «بجهت پیشکش جناب جلالتماب ... مستوفی الممالک دام اجلاله العالی، فقیر کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی تحریر نمود ۱۲۷۵»

۱۲- دستورالوزاره و سیرالملوک^{۱۸} از خواجه نظام الملک توسی. در کتابخانه ملی ایران (۱۸۶۹۲). کتابت ممتاز نستعلیق. انجامه دستورالوزاره: «قد ختم الكتاب بعون الملك الوهاب از آنجا که خواجه ایران و ... جناب جلالت‌مآب ارفع امجد اشرف اکرم اعتمادالدوله العلیه صدراعظم میرزا آقاخان لازال مؤید الاحیاء الدین و نصر المجاهدین ... غلام فدویرا که برآورده حضرتم و پرورده نعمت و بدولت قربت سرفرازم و بشرف وفادت از دیگران ممتاز، احضار نموده بنگارش این کتاب مستطاب مأمور فرمودند و این بنده احراز الحقوق النعمه و احتراز العقوق النقمه بعد از قلیل مدتی از عهده این کار تفصی جست. امید که مقبول طبع مهر مآثر شده بر قلم نفایه و رقم پیمایه فقیر پرده عفو و اغماض فرو پوشند و انا العبد المذنب کاتب‌الصداره محمدحسین شیرازی غفرالله له فی شهر شوال سنه ۱۲۷۴».

انجامه سیرالملوک: «تم کتاب سیرالملوک بعون الملك المعبود ... جناب جلالتمآب امجد ارفع افخم اعتمادالدوله صدراعظم میرزا آقاخان دام بقاؤه و زید فی العز ارتقاؤه ... بنده فدویرا که ریب نعمت و صنیع حضرتم بنگارش این کتاب مأمور فرمود. بنده فدوی احراز الحقوق النعمه و احتراز العقوق النقمه حسب الاستطاعه و علی قدر الطافه در اندک زمان از عهده اینکار تفصی جست. امید که بمقتضای کرامت ذاتی و سماحت جلی بر قلم بیمایه و رقم نفایه این فقیر خرده نگیرند و عذر قلت بضاعت و عدم استطاعت بپذیرند و انا العبد المذنب کاتب‌الصداره محمدحسین شیرازی عفی عنه تحریراً فی شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۷۴».

۱۳- نی‌نامه جامی. در کتابخانه ملی ملک، تهران (ش ۵۲۴). گویا این اثر مشق نقلی از نی‌نامه‌های به خط میرعلی الکاتب است (در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)^{۱۹} که در سال ۹۴۰ ق. کتابت شده است. با انجامه: «بجهت پیشکش بزم حضور خواجه ایران و قدوه جهان فخر اسلاف و شرف اخلاف مطلع اقبال و مطمح آمال جامع بخت و هنر صاحب اصل و گوهر رضی‌لدوله و صفی‌المله جناب جلالتمآب امجد اکرم امین‌الدوله العلیه [فرخ‌خان^{۲۰}] سمت تحریر پذیرفت ... و انا العبد المذنب محمدحسین شیرازی سنه ۱۲۷۵».

۱۶ - نسخه را هنوز ندیده‌ام.

۱۷ - نسخه‌ای از مخزن‌الاسرار نظامی نیز در کتابخانه دانشگاه استانبول (به شماره ۴۶۶) نگهداری می‌شود که به میرزا آقاخان نوری صدر اعظم پیشکش شده است؛ همچنین نسخه شماره ۱۸۶۹۲ کتابخانه ملی ایران.

۱۸ - کتابت خفی ممتاز، ۴۰۲ صفحه در ابعاد ۲۴۳ در ۱۵۰ سانتیمتر.

۱۹ - این اثر با مقدمه دکتر مظفر بختیار در سال ۱۳۸۰ توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است.

۲۰ - الحاقی است.

۱۴- شش دفتر مثنوی مولانا، کتابت نستعلیق. در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۶۸۱). با انجامة: «یکچند در محروسه شیراز که شیرازه آبادش بدست حوادث مگسلاذ بنده خاکسار بر حسب شوق فطری عنان همت بتحصیل خط نستعلیق معطوف داشت و اوقات شبانه روزی را بتکمیل این فن شریف مصروف تا قلم از بنان سوده گشت و بنام از قلم فرسوده پس از یکچند که مداد و ليقه‌ام رام دست و سلیقه شد و ناظران بر نقش قلم تحسین کردند و مطالعان بر حسن رقم آفرین گفتند با خود گفتم اگرچه در نظر قاصر این صور از جمالی و این نقوش خالی از کمالی نیست ولی تحدید این کم و کیف را حکیمی خبیر باید و تعیین این نقد و زیف را ناقدی بصیر پس صفحه چند از کتاب مثنوی مولوی نگاشته دل بر کربت غربت نهادم و راه دارالخلافة باهره پیش گرفتم و همت بر آن گماشته که این قطره را بدریا پیوندم و این ذره را بخورشید رسانم تا در ضمن معاشرت اصناف ناس یکی از خاصان درگاه آسمان جاه متعهد شد که اوراق مسطور را بملاحظه علیه رساند و باین وسیله اگر مقتضی شد این ذره را در مقابله آفتاب عالمتاب بدارد تا روزی پیاپمردی آن مقرب درگاه کیوان‌جاه این خاکسار را کلاه افتخار باآسمان رسیده شرف خاکبوس حضور آفتاب ظهور دست داد و اعلیحضرت آسمان بسطت خلاصه دودمان سلطنت کبری و نقاوه خلافت عظمی وارث تخت جم حامی ملک عجم افضل من لبس التاج و اعدل من جلس علی السریر السلطان ابن السلطان ابن الخاقان ابن الخاقان ابن شاهنشاه عالم پناه ولی النعم کل ممالک محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار لازال مؤید الرفع قواعد الانصاف و هدم اساس الاعتساف، این خاکسار جان نثار را بعد از تحسین و سرافرازی ملوکانه بصنوف عطیات به بیان کرامت ترجمان مخاطب فرموده به تتمیم این کتابم مأمور فرمودند و این بنده برحسب حکم محکم شاهانه و امر نافذ خسروانه وجود نابود خود را بملازمت نگارش موقوف و اوقات شبانه روزی را بمواظبت کتابت مصروف داشت ... و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین الشیرازی غفرالله ذنوبه و سترالله عیوبه تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۹» .

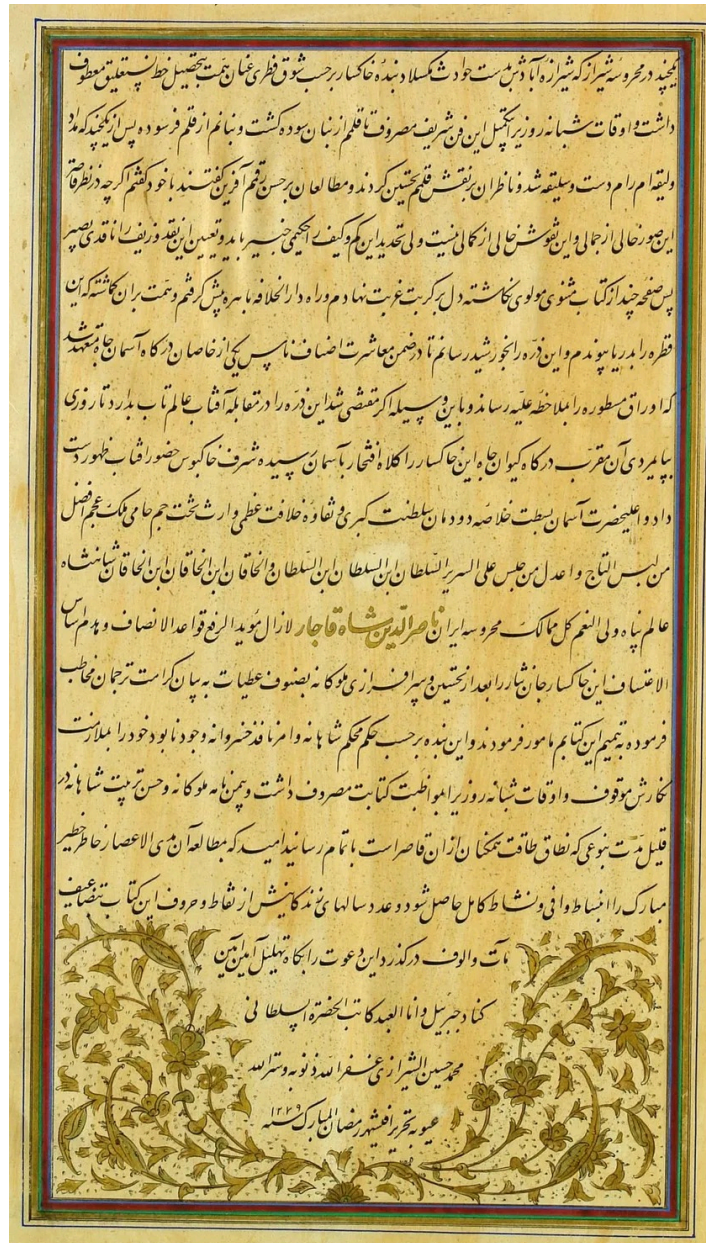
۱۵- دیوان حافظ در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، کتابت نستعلیق. با انجامة: «بر حسب فرموده سرکار جلالت دستگاه ... میرزا محمدشفیع مستوفی شیرازی^۱ دام اجلاله و اقباله نوشته شد و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین الشیرازی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۲۷۹» .

۱۶- گلستان سعدی، کتابت عالی نستعلیق. کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۱۴۴۶). با انجامة: «... و عوام آمده و قلم شوقش از ادای اینخدمت زمانی خستگی و کلال نه‌پذیرد و دست و لوعش از استدامه اینطاعت آنی قرار و آسایش نگیرد تا در این ایام که آخر فصل ربیع و گلستانست کتاب گلستانی باتمام رسانید ... و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی که بر حسب امر اقدس همایون بتعلیم خط شاهنشاهزاده اعظم اجل افخم نایب السلطنه العلیه روحی فداه سرافرازم شهر ذیحجه ۱۲۸۰» .

۱۷- تاریخ نجیر ناصری، در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۸۴۲). کتابت جلی ممتاز، با انجامة: «و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی فی شهر ذیقعدۀ سنه ۱۲۸۲» .

۱۸- دیوان حافظ، کتابت عالی نستعلیق در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی. با انجامة: «چون این بنده عمر خود را همواره مصروف خط نستعلیق داشته و بعون الله و تأییده پایه این فن را بجایی رفیع گذاشته که در نظر همه ارباب این صنعت، خط این بی‌بضاعت زیور کمالی تمام یافته و تمام آنکه شود بحقیقت که پسندیده آید در حضرت ... مستوفی‌الممالک ... و این بنده درگاه را بین الامثال مفتخر نمایند. حرّه و انا العبد الجانی کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی غفرالله له فی شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۳» .

۲۱- شاید این میرزا محمدشفیع مستوفی شیرازی، همان خاصه دربار باشد که وی را به ناصرالدین شاه معرفی کرده است چراکه این دیوان حافظ یا مثنوی مولانا در یک سال کتابت شده‌اند و محمدحسین این دیوان را برای سپاسگزاری به نام محمدشفیع کرده باشد. بیانی، ص ۶۹۲.



تصویر ۴: انجامه مثنوی مولانا، به خط محمدحسین شیرازی (۱۲۷۹ هجری)، محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان (ش ۶۸۱). عکاسی از مؤلف.

۱۹- دیوان منوچهری دامغانی و عنصری بلخی در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۴۲۹). کتابت عالی نستعلیق. با انجامة: «هو العزیز چون پادشاه جمجاه مالک رقاب امم وارث دیهیم جم غیث‌الندی غوث‌الوری فلك الهمم لیث الوغا بدرالدجی ملک الامم رتبت افزای تخت کیهان خدایی شکوه اندوز قاعده فرمانروایی باسط بساط عدل و انصاف ماحی رسوم جور و اعتساف مشید اساس ملک و دین ظلّ الله فی الارضین شاهنشاه گردون بارگاه نامدار السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار لازال منصوراً بنصرالله و مؤید بتأییده همواره در بضاعت این بنده درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند؛ لهذا خطّ این بی بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهدانه در نظر خاص و عام جلوه‌گر آمده سزد که باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید چنانکه امر همایون در حق این بنده باستکتاب دواوین شعرای ترکستان شرف نفاذ یافته بود و بنده درگاه آسمان جاه این خدمت را بانجام رسانید و لله المنه و التأيید و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۸۴.

۲۰- ترجمه فارسی قرآن کریم، در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۹۰). خطّ نستعلیق کتابت جلی ممتاز. با انجامة: «چون پادشاه جمجاه ... ناصرالدین شاه قاجار ... همواره در بضاعت این بنده درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند لهذا خطّ این بی‌بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهانه جلوه‌گر آمده سزد آنکه باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید چنان که امر همایون در حق این بنده باستکتاب ترجمه کلام‌الله مجید شرف نفاذ یافته بود و بنده درگاه آسمان جاه، این خدمت را بانجام رسانید ... و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۲۹۰» .

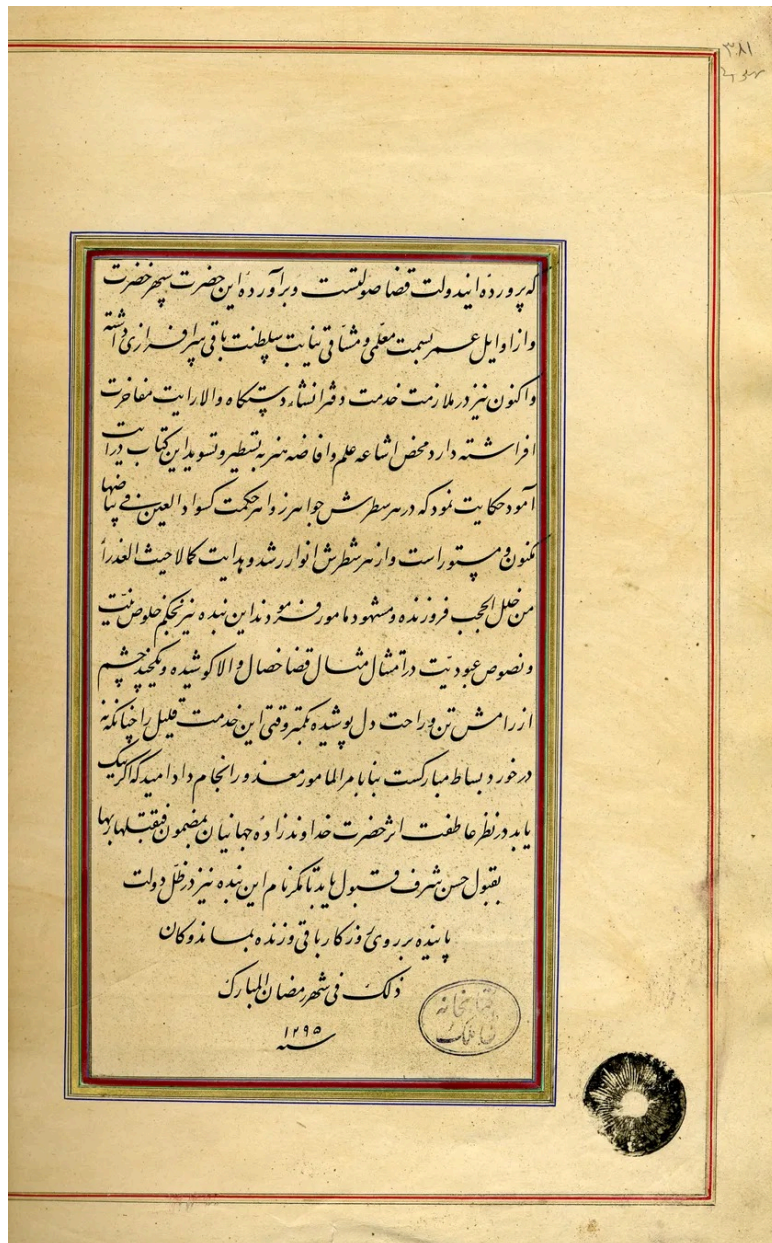
۲۱- کلیله و دمنه بهرامشاهی در کتابخانه ملّی ملک، تهران (ش ۵۹۶۲). کتابت ممتاز خطّ نستعلیق. با انجامة: «لاجرم بنده فدوی و خانه‌زاد معنوی محمدحسین شیرازی ملقب بکاتب السلطانرا که پرورده ایندولت قضا صولتست و برآورده این حضرت سپهر حضرت و از اوایل عمر بسمت معلمی و مشاقی نیابت سلطنت باقی سرافرازی داشته و اکنون نیز در ملازمت خدمت دفتر انشاء دستگاه والا درایت مفاخرت افراشته دارد ... امید که نیک یابد در نظر عاطفت اثر حضرت خداوندزاده جهانیان بمضمون فتقبلها ربها بقبول حسن شرف قبول یابد تا مگر نام این بنده نیز در ظل دولت پاینده بر روی روزگار باقی و زنده بماند و کان ذلک فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۵».

۲۲- سفرنامه سوم ناصرالدین شاه به قم، در کتابخانه آستان قدس، مشهد (ش ۱۰۴۲۹). کتابت خطّ نستعلیق. با انجامة: «بر حسب امر قدر قدر حضرت مستطاب شاهنشاهزاده اعظم باذل دریادل نایب السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ روحنا فداه به بنان خانه‌زاد دولت جاویدنشان کاتب الحضرة السلطان محمدحسین شیرازی غفر له سمت تحریر پذیرفت فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۰».

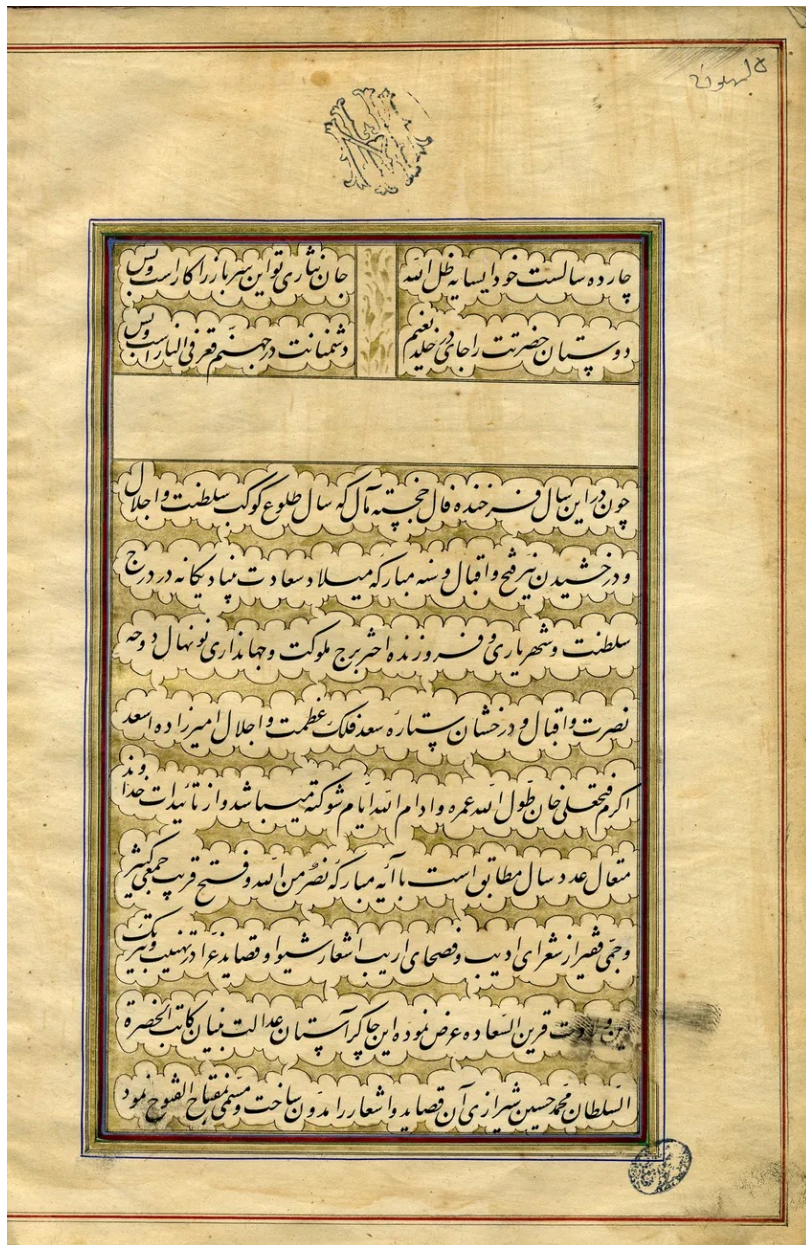
۲۳- مفتاح الفتوح، در کتابخانه ملی ملک، تهران (ش ۵۵۷۲). کتابت خطّ نستعلیق. با انجامة: «چون در این سال فرخنده فال خجسته مآل که سال طلوع کوكب سلطنت و اجلال و درخشیدن نیر فتح و اقبال و سنه مبارکه میلاد سعادت بنیاد یگانه یرج سلطنت و شهریاری و ... امیرزاده اسعد اکرم فتحعلی‌خان طول‌الله عمره و ادام‌الله ایام شوکته میباشد ... این چاکر آستان عدالت بنیان کاتب الحضرة السلطان محمدحسین شیرازی آن قصاید و اشعار را مدوّن ساخت و مُسمّی بمفتاح الفتوح نمود».

۲۴- الهی نامه، در کتابخانه کاخ گلستان، تهران (ش ۱۴۸۳). کتابت خطّ نستعلیق. با انجامة: «العبد المذنب الراجی کاتب الحضرت السلطان محمدحسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی دارالخلافة طهران سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۳۰۴».

۲۵- مناجات خواجه عبدالله انصاری، در کتابخانه آستان قدس، مشهد (ش ۱۰۵۶۰). کتابت خطّ نستعلیق. با انجامة: «... الفقیر الحقیر المذنب کاتب الحضرت السلطان محمدحسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی دار الخلافة طهران سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۳۰۵».



تصویر ۵: انجامه کلیله و دمنه، به خط نستعلیق محمدحسین شیرازی (۱۲۹۵ هجری)، محفوظ در کتابخانه ملی ملک (ش ۵۶۶۲). عکاسی از مؤلف.



تصویر ۶: انجامة مفتاح الفتوح، به خط محمدحسین شیرازی (بدون تاریخ)، محفوظ در کتابخانه ملی ملک (ش ۵۵۷۲). عکاسی از مؤلف.

۲۶- احوال سلطان محمود غزنوی تألیف عباسقلی سپهر، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۲۲۶۸). کتابت خط نستعلیق. با انجامة: «بنده درگاه آسمان جاه را که خط نستعلیق زیور کمال پذیرفته کسوتی شاهانه و بدیع پوشیده پرورده و برآورده این دولت قضا صولت بر قابلیت و استعداد و حسن سلیقه او حمل نتوان کرد بلکه خداوند جهان ... مظفرالدین شاه قاجار در بضاعت مزجاه او بعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزبور قبول آن درگاه شده باستکتاب این کتاب امر و مقرر فرمودند ... بنا بامر المأمور معذور انجام داد مگر باشد که روزی نظری در این کتاب فرمایند و کمترین بنده درگاه کیوان‌جاه را بمراحم ملوکانه سرافراز و محظوظ فرمایند تا بنده جان‌نثار را کلاه افتخار به اوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الامائل و الاشباه شود ... و انا العبد الکاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی مستوفی دیوان اعلی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۳۱۶ ...».

۲۷- مرقع اشعار منسوب به خیام در کتابخانه ملی ایران به قلم کتابت نستعلیق عالی با انجامة: «العبد کاتب السلطان محمدحسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۳۱۷».

هم‌چنین قطعه‌ها و سیاه‌مشق‌های بسیار^{۲۲} در مجموعه‌های دولتی و خصوصی.

روایت خوشنویسان از پادشاه

جعفر تبریزی و محمدحسین شیرازی هر دو از استادان نامدار و طراز اول دوره خود بودند. در نیمه نخست سده نهم هجری، شاهرخ گورکانی هنوز زنده بود و در اصل فرزندش، بایسنغر، نماینده او در هرات بود. با این حال رفتار جعفر با بایسنغر کاملاً همانند یک پادشاه^{۲۳} است و از آنجا که بایسنغر خوشنویس و حامی هنرمندان است، به شایستگی مورد ستایش او قرار گرفته است. آوردن القاب از نخستین سده‌های دوران اسلامی، آیین و قواعدی داشته است. در کتاب‌های دستور منشآت و ترسل، چگونگی خطاب قرار دادن و دعا کردن پادشاه و هریک از ارکان دولت بیان شده و برای نمونه در آیین دبیری آمده است که «در القاب، برترین درجتی آن است که به دین بود، آنگاه به اسلام، آنگاه به ملوک و سلاطین، آنگاه به دولت، آنگاه به ملک ... در خطاب و القاب از برترین درجه ابتدا کردن و بر ترتیب نزول کردن تا به آخر» (میهنی ۱۱) و در برخی از کتاب‌ها همچون دستورالکاتب فی تعیین المراتب، انواع القاب سلاطین دسته‌بندی و بیان شده است. (شمس منشی ۷۱)

جعفر در اشعار و انجامة‌هایش از بایسنغر با این اسامی، القاب و توصیفات یاد می‌کند:

ماه اوج سلطنت. محمد خُلق. خسرو ایران و توران. سلطان. شهنشاه جهان. القاب شهنشه. السلطان الاعظم، سلطان سلاطین عالم، مالک رقاب الامم، مولی ملوک العرب و العجم ... سلطان بایسنغر بهادرخان، الخان به الخان سلطان سلاطین العهد و الزمان، حارس ممالک الربع المسکون، مالک رقاب ذوی‌الحركة و السکون، الذی لم یلمح بمثله الافلاک مادام السمک و السماک، خلاصه ادوار العناصر و الملوان، مظهر لطایف، ان الله یامر بالعدل و الاحسان غیاث السلطنه و الدنيا و الدین بایسنغر بهادر سلطان. السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم معز الحق و السلطنه و الدنيا و الدین غیاث الاسلام و المسلمین بایسنغر بهادرخان. بایسنغر بهادرخان ...

و بایسنغر را با این عبارات دعا کرده است:

خُدالله تعالی ملکه و سلطانه و اوضح علی العالمین بره و احسانه. خُدالله ملکه و سلطانه.

۲۲ - نک: خیال خط، پیکره، ۱۳۹۷.

۲۳ - در اینجا به توصیفات جعفر از دیگران همچون علاءالدوله نپرداخته‌ایم.

در آیین دبیری آمده: «هرکجا محترمی را یاد کنند، دعا نکردن و تقصیر در آن اهانتی شمارند»^{۲۴} و در *دستورالکاتب* فهرستی از دعاهای عربی که پس از القاب سلاطین باید نوشته شود، یاد شده است^{۲۵}؛ با این حال جالب است که جعفر در *انجامه شاهنامه*، بایسنغر را دعا نکرده و شاید القاب مفصل درباره بایسنغر را کافی دانسته است و یا نخواسته که ادامه انجامه در یکی دو سطر به صفحه بعد منتقل شود و زیبایی انجامه نیز مورد نظرش بوده است.^{۲۶}

با توجه به آثار بازمانده از دو خوشنویس مورد بحث، روشن است که محمدحسین شیرازی در آرامش بیشتر و دوره طولانی‌تری به کتابت پرداخته است و از این رو نسخه‌های بیشتری را استنساخ کرده است. محمدحسین در انجامه‌هایش از پادشاه با اسامی، القاب و توصیفات زیر یاد کرده است:

حضرت شهریار تاجدار جهان مدار. بنده درگاه خلاق پناه. اعلیحضرت آسمان بسطت خلاصه
دودمان سلطنت کبری و نقاوه خلافت عظمی وارث تخت جم حامی ملک عجم افضل من لبس
التاج و اعدل من جلس علی السریر السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان
ابن الخاقان شاهنشاه عالمپناه ولی التعم کل ممالک محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار. پادشاه
جمجاه مالک رقاب امم وارث دیهیم جم غیث‌الندی غوث‌الوری فلک الهمم لیث الوغا بدرالدجی
ملک الامم رتبت افزای تخت کیهان خدایی شکوه اندوز قاعده فرمانروایی باسط بساط عدل و
انصاف ماحی رسوم جور و اعتساف مشید اساس ملک و دین ظل‌الله فی الارضین شاهنشاه
گردون بارگاه نامدار السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصرالدین
شاه قاجار. خداوند جهان ... مظفرالدین شاه قاجار.

و پادشاه را با این عبارات دعا کرده است: «لازال مؤید الرفع قواعد الانصاف و هدم اساس الاعتساف. اللهم انصر جیشه و ابد عیشه و اخذل اعدائه و اطل بقائه. لزال منصوراً بنصرالله و مؤید بتأییده.»

همچنین به داشتن مقام و جایگاه هنری ارزشمند خود افتخار می‌کند:

این قاصر محمدحسین شیرازی که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده تا از میان این
فرق، گوی مسابقت ربوده. بر حسب امر اقدس همایون بتعلیم خط شاهنشاهزاده اعظم اجل افخم
نایب السلطنه العلیه روحی فداه سرافرازم. لهذا خط این بی بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی
شاهدانه در نظر خاص و عام جلوه‌گر آمده سزد که باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در
میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید. پرورده این دولت قضا صولتست و برآورده
این حضرت سپهر حضرت و از اوایل عمر بسمت معلمی و مشاقی نیابت سلطنت باقی سرافرازی
داشته و اکنون نیز در ملازمت خدمت دفتر انشاء دستگاه والا درایت مفاخرت افراشته دارد. بنده
جان نثار را کلاه افتخار به اوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الامائل و الاشباه شود.^{۲۷}

۲۴ - میهنی، ۱۳۸۹: ۱۱.

۲۵ - شمس منشی، ۱۳۹۰: ۷۴.

۲۶ - همچنین در *انجامه کلیات همام تبریزی*، خسرو و شیرین نظامی، دیوان حسن دهلوی، اندرزهایی از اسکندر، دیوان حافظ و گلشن راز از بایسنغر میرزا یاد نکرده و طبیعی است که این آثار را برای هدیه به دیگران نگاشته باشد. با این حال جعفر در *انجامه‌هایش* از دیگر بزرگان نام نبرده است، ولی محمدحسین شیرازی از دیگر حامیان هنری یاد کرده و به ستایش آنها نیز پرداخته است.

۲۷ - محمدحسین نیز برخی از آثارش را برای میرزاآقاخان نوری و دیگر دولتمردان کتابت کرده و در آنها به توصیف پادشاه پرداخته است، همچون *خلد برین، المختصر فی معرفه التقاویم، مناجات خواجه عبدالله انصاری* (چند نسخه)، *صناعات از میرفندرسکی، اخلاق ناصری، رساله دستورالوزاره و سیرالملوک*، *نی‌نامه جامی*، *دیوان حافظ*، *تاریخ نجیر ناصری*، *سفرنامه سوم ناصرالدین شاه به قم*، *مفتاح الفتوح*، *الهی نامه*، *مرفع اشعار منسوب به خیام*.

نتیجه‌گیری

جعفر تبریزی (بایسنغری) و محمدحسین شیرازی (کاتب‌السلطان) دو خوشنویس نامدار از دورهٔ تیموری و قاجار بودند که در زمان خودشان به بالاترین مناصب هنری و شهرت رسیدند و پس از درگذشتشان نیز آثارشان در معتبرترین موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران و جهان جای گرفته است. انجامه‌های نخستین دست‌نوشته‌های فارسی تا اواخر دورهٔ قاجار، بنابر سنت به‌زبان عربی نگارش می‌یافت. با این‌حال محمدحسین شیرازی در انجامه‌های مفصل خویش، ناچار شده تا در کنار زبان عربی، حسب حال خود را به‌زبان مادری‌اش بنگارد.

جعفر از حدود چهل سالگی، ملقب به بایسنغری شد و نزدیک به سیزده سال از اوج حیات هنری‌اش را در ارتباط بایسنغری گذراند و درگذشت بایسنغری مانع ادامهٔ حیات هنری و اشتها او در میان‌سالگی شد و دورهٔ حکومت علاءالدوله هرگز قابل مقایسه با دورهٔ بایسنغری نبود. بایسنغری هنرمندان طراز اول را در کتابخانه‌اش گردآورده بود و جعفر را به مقام کتابداری یا همان ریاست پروژه‌های هنری گماشته بود و در نتیجه مجری افکار و سلاطین هنری بایسنغری بود و از سویی مشاور او نیز به‌شمار می‌رفت. جعفر در انجامه‌های خویش و اشعاری که در رثای بایسنغری سروده است، از او با عناوین «ماه اوج سلطنت، شاه عالم، محمد خُلق، خسرو ایران و توران» یاد کرده و به ستایش او پرداخته است. این ستایش‌ها چنان‌که از مرثیهٔ او برمی‌آید، در نهایت احساس و اندوه بوده و نشان می‌دهد که به هیچ حامی هنری دیگری که بتواند جای بایسنغری را بگیرد، امید ندارد. جعفر بیش از شاه‌رخ که پادشاه است، بایسنغری را حامی بی‌بدیل هنر می‌داند و پیش‌بینی کرده بود که امور کتابخانهٔ شاهی هرگز به وضعیت دوران بایسنغری بازخواهد گشت.

محمدحسین شیرازی در حدود چهل سالگی (۱۲۷۹ ق.) به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و ملقب به کاتب‌السلطان شد و از خوش‌اقبالانی تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ ق.) در اوج عزت می‌زیست و این اعتبار را تا اواسط پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۸ ق.) نیز حفظ کرد. محمدحسین در کنار پادشاه، ارتباط خویش را با درباریان صاحب‌نام حفظ کرد و برای آنها نیز آثار بسیاری را کتابت نمود. او با عناوین «حضرت شهریار تاجدار جهان مدار، نامدار السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار» از پادشاه یاد کرده و از این‌که او قدردان هنرش بوده، سپاسگزار است.

تجلیل این دو خوشنویس از پادشاهان دورهٔ خویش، تأییدکنندهٔ این نکته است که هنر ایران تا دورهٔ انقلاب مشروطه، هنری درباری و وابسته به حمایت پادشاه بود و هنرمند نه فقط به ستایش پادشاه زمانهٔ خویش، که به تمجید و تشکر از حامی و پشتیبان هنری خود می‌پرداخت. دو شخصیت پادشاه و حامی هنری در توصیفاتی که در انجامه‌ها آورده‌اند، به یک فرد واحد تبدیل شده و از این‌رو شایستهٔ هرگونه مدح و ستایش بودند.

شمار آثاری که جعفر استنساخ کرده و از پادشاه یاد کرده، نسبت به محمدحسین کمتر است و طولانی‌ترین انجامهٔ وی در شاهنامهٔ بایسنغری به چهار سطر می‌رسد، در حالی که محمدحسین انجامه‌هایی طولانی و گاه چند صفحه‌ای دارد و می‌کوشد تا گونه‌ای زندگینامهٔ خودنوشت را در آنها مکتوب کرده و در سایهٔ تمجید از حامیان هنری، جزئیات زندگی هنری خویش را نیز در آنها جاودانه سازد.

کتابنامه

- آتابای، بدري، فهرست ديوان‌های خطی و کتاب هزار و یکشب (ج ۲)، ۱۳۵۵.
- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان (۴ ج)، انتشارات علمی، تهران، (چ دوم)، ۱۳۶۳.
- حبیبی، عبدالحی، تاریخ خط و نوشته‌های کهن افغانستان (از عصر قبل‌التاریخ تاکنون)، انجمن تاریخ و ادب افغانستان آکادیمی، ۱۳۵۰.
- هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- شمس منشی، دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب، تصحیح محمود طاووسی، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۰.
- عالی افندی، مصطفی، مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق ه. سبحانی، انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا، «انجامه‌های خوش انجام محمدحسین شیرازی (کاتب السلطان)»، در فرزانه ایران مدار (مجموعه نوشتار به مناسبت نودمین سال تولد ایرج افشار)، کتابخانه ملی ایران و خانه کتاب، ۱۳۹۴.
- «بررسی اصالت رساله نداشته جعفر بایسنغری»، مجله تندیس، تهران، ش ۳۷۹-۳۷۸، ۱۳۹۷.
- درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.
- رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، روزنه، ۱۳۷۳.
- محمدحسین شیرازی، نشر پیکره، ۱۳۹۴.
- کیاکاظمی، علیرضا، خیال خط (چهل سیاه‌مشق نویافته از کتابخانه شخصی علیخان ظهیرالدوله به قلم محمدحسین شیرازی)، نشر پیکره، ۱۳۹۷.
- میهنی، محمد بن عبدالخالق، آیین دبیری، تصحیح اکبر نحوی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- نوروزیان، گیتی، ظهیرالدین اظهر، پیکره، ۱۳۹۷.
- نیرسینا، هدایت، «درخشان‌ترین چهره دربار هرات»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال نوزدهم، شماره ۷۹ و ۸۰، اسفند ۱۳۵۱.

About the author

Hamid Reza Ghelichkhani holds his PhD from Dehli University. He is a calligrapher master and is a member of the committee for determining the authenticity and buying old manuscripts of the National Library of Iran and the Museum of Calligraphy of Iran. He is the author of the *Dictionary of Calligraphy and the Related Arts* (Rouzaneh Publication, Tehran, 1994) and *A Handbook of Persian Calligraphy and Related Arts* (Brill, Leyden, 2022). His book *An Introduction to Persian Calligraphy* was translated into Russian in 2019 (Mockba, Moscow). He organized several calligraphy exhibitions in the United States, Europe, and Iran; the last of which was held at Farmanfarma Gallery in Tehran, with title Hu in 2019.